

رئيس جمهور كرزى،

از ما فراريان در غرب ترسو تر نيست، واقعين تراست!

بخشى از ما افغانهاى مدعيان روشنفكرى، اگر يك زمان براى فرار از جنگ و پناه آوردن به اروپا و امريكا دليلى داشتيم كه روسها كشور ما را اشغال كرده و در اسارت نمى توان بسر برد، و با هزار حرف راست و دروغ دولت هاى پناهنده پذير را اقتناع كرديم و بعد از آن در هر مسجد و محفل ريكارانها يا صادقانه شب و روز دست دعا بلند كرده كه اى واى خداى مهربان لطفى كن كشور ما را آزاد نما تا به آغوش پرمهرش برگرديم، سرانجام دعا كه مستجاب شد و روس ها شكست خوردند، به سرزمين خود برگشتند و دولت دست پرورده و دست نشانده اش نيز سقوط كرد ولى هزاران افغان پيروان فكرى مواضع همين گروه هاى كه بعد از سقوط حكومت داکتر نجيب بقدرت رسیده اند از امريكا و اروپا بكشور برنگشتند و اگر چند تاى بر گشته اند چيزى كمتر از چوكى رياست و وزارت توام با حفظ پاسپورت غربى قانع نبوده، از چوكى هم جز سوء استفاده شخصى و ثروت اندوزى هدف ديگر و خدمتى بمردم در سر نداشته و هرگاه رسوائى بعضى از آنها در حد نهائى رسیده، مثل صديق چكرى وزير حج و اوقاف، فطرت رئيس د افغانستان بانک و غيره به اروپا و امريكا برگشته اند و با ثروت سرشار با خانواده هاى شان زندگى مى كنند.

جالب اينجاست كه بعضى از ما افغان هاى در غرب مسكن گزيده يك نقطه مثبت در كار آقاى كرزى نمى بينيم، دل ما متكيان به كمك هاى اجتماعى (سوسيال) از بيكارى و يكنواختى زندگى به تنگ آمده و در خيال يك جنگ ديگرى با سوز و گداز ديگرى هستيم تا براى قلم هاى از رفق افتاده ما مطلب تازه اى بميان آيد، كه بازار سخن گرمتر و جذاب تر شود و عجيب اينست كه كسانى در سن بيش از شصت هفتاد سال طوري مسایل افغانستان و دولت هاى در ارتباط بمسایل افغانستان را مورد ارزيابى قرار مى دهند كه تصور مى رود آنها در غرب زاده شده اند و يك روز هم افغانستان و مردم آنرا از نزديك ندیده اند، نظرات شان راجع به دولت و جامعه چنان است كه گویا دولت و جامعه دو چيز كاملاً مجزا ولى متضاد باهمديگر اند در حاليكه دولت از داخل همين جامعه بوجود آمده است؛ اگر افراد جامعه آگاه و پاك و منزه مى بود چنين دولت جنگسالار و فاسد بوجود نمى آمد، هستند كسانيكه در برخورد و موضعگيرى نسبت به فردى در رأس قدرت با ذهنيت و معيارهاى صد سال قبل ارزيابى و داورى ميکنند و ظاهراً از موضع دلسوزى و احساس عاطفى نسبت بمردم، همه افراد خارج از دولت را انسان هاى خوب، سالم و بى عيب مى دانند و در اثر يك نوع افكار ارباب رعبى تصور مى كنند فردى در رأس دولت حيثيت چوپان و مردم خاصيت رمة گوسفند را دارند كه هرگاه فردى در رأس دولت اراده كند مى تواند نهاد هاى دولت و جامعه را در كمترين مدت به سمت دلخواه در جهت سالم و مؤثر هدايت كرده و سوق دهد.

از نوشته ها و سخنان بسى كسان معلوم مى شود كه افغانستان و جهان امروز را در دوران امير عبدالرحمن خان مى بينند، چنانكه شكايت شان همين است كه چرا آقاى كرزى مثل امير عبدالرحمن خان عمل نمى كند. حتى شخص محترمى چون آقاى محمد اعظم سيستاني كه دست در تاريخ نويسى هم دارند در مقاله تحت عنوان :

« هاى پارلمان افغانستان! بحكم قانون اساسى كرزى را هم استيضاح كنيد! »

اينك به ذكر بعضى نكات و تبصره هاى کوتاه روى هر يك اکتفا ميکنم:
«گفته شده پارلمان افغانستان تحت رياست آقاى عبدالروف ابراهيمى، اکنون دو كار مهم و قابل ياد آورى انجام داده. يکى تائيد سند موافقتنامه سنتراتيژيک با امريكا با وجود سنگ اندازى هاى بيشمار كشورهاى همسايه است و دوم سلب صلاحيت از وزيران دفاع و داخله.»

قبل از پرداختن به دو مورد ياد شده بايد گفت راجع به ماهيت اعضاى پارلمان همه مى دانند كه اكثرأ جنگسالار، متقلب و استفاده جو هستند. اگر آقاى كرزى در لياقت، وطن دوستى و صداقت اخلاقى بيشتر از هر يك اعضاى ولسى جرگه نباشد كمتر از هيچ کدام آن نيست. پدرش عبدالاحد خان كرزى در راه دفاع از وطن به شهادت رسيد و حامد كرزى نيز در مبارزات مقاومت عليه دولت شوروى سابق و عليه گروه هاى پيرو حكومت پاكستان تا سقوط حكومت طالبان عملاً مبارزه نموده است. و دولت جنگسالارى كه از سوى دولت هاى قدرتمند جهان بر كرزى

تحلیل شد کار ساده ای نبوده که وی تا حال با همکاری چند شخصیت محدود توانسته روی پای خود بایستد و علیه عناصر فاسد داخلی و فشار خارجی مبارزه نماید.

نکته اول: پارلمان افغانستان که در وقت انتخابات بوی گند فساد و تقلب کاری های اعضایش عالم را فرا گرفت، با تمام قدرت زور آزمائی با کرسی را در پیش گرفت اما سر انجام مجبور به عقب نشینی شد. در مورد سند ستراتیژیک با دولت ایالات متحده آمریکا این مسأله اصلاً کار و ابتکار پارلمان نبوده و حتی طوری معلوم بود که بسیاری اعضای پارلمان با دریافت پول از ایران حاضر به تصویب سند مذکور نبودند به همین لحاظ رئیس جمهور لویه جرگه را دایر نمود و صلاحیت عقد قرار داد را بدست آورد و با این کار کرسی پارلمان را در مقابل یک عمل انجام شده قرار داد یعنی بعداً اعضای پارلمان را ناگزیر به تائید سند نمود.

نکته دوم: سلب صلاحیت از وزیر دفاع و داخله، ظاهر امر همین است که محترم آقای سیستانی فرموده اند، اما واقعیت طور دیگریست که به اشاره رئیس جمهور این کار صورت گرفته چنانکه آقای مارشال قسیم فهیم از برکناری وزیر داخله که اساسی ترین اتکای قدرت آن است با آقای کززی در مخالفت قرار گرفته است، با اینحال برکناری اینها و رئیس امنیت ملی بخاطر این نیست که در برابر حملات نظامی پاکستان در سرحدات شرقی افغانستان چرا از خود سستی و بی کفایتی نشان داده اند، آنها به صراحت گفته اند اقدام به جنگ و صلح از صلاحیت رئیس جمهور و پارلمان است هرگاه حکمی در زمینه صادر گردد در برابر پاکستان آماده ای جواب بالمثل اند.

احتمالاً طوریکه گفته می شود موضوع اینست که آقای کززی میخواهد موانع را از سر راه انتخابات که در پیش رو است برچیند تا کاندید مورد تائید وی بدون تقلب و سر و صدا برنده اعلام گردد. و در مورد اینکه آقای سیستانی می فرمایند « اگر به تجاوز پاکستان جواب داده نشود، پاکستان آنرا به ضعف ما تعبیر کرده مطابق ستراتیژی نظامی خود بزودی ولایت کنر و نورستان را اشغال و افغانستان را با سرنوشت بدتر از خط دیورند روبرو خواهد نمود.

پس تا به چنین بدبختی دیگری مواجه نشده ایم باید پارلمان شخص کززی را مورد استیضاح قرار بدهد و راز بی اعتنائی و بی توجهی وی را نسبت به این مسأله مهم معلوم کنند و در صورتی که قناعت نمایندگان افغانستان را فراهم نکند مطابق ماده ۶۴ قانون اساسی کشور از وی سلب اعتماد و موضوع را به لویه جرگه محول کنند.»

در اینجا به صراحت باید گفت، محترم آقای سیستانی نه در تشخیص مسایل موفق بوده اند و نه در تجویز برای حل آن. مثلاً تمام مشکلات داخلی و خارجی را در افغانستان ناشی از ضعف آقای کززی می بیند و اگر فرد دیگری بجای او قرار گیرد به زعم جناب شان همه جنگ و بحران و مشکلات کشور حل و بزودی بر طرف می گردد. در حالیکه گرفتاری های افغانستان به این سادگی نیست، برای هر مشکل و مهلکه ای نخست باید آنرا به روشنی دید و شناخت بعد راه حل ارائه کرد.

آقای سیستانی اگر بدقت اوضاع کشور را زیر نظر داشته باشند می دانند که آقای کززی همان فردی که از جانب ظاهر شاه برای ریاست اداره مؤقت معرفی شد و به حمایت آمریکا در کنار جنگسالاران قرار گرفت دیگر از نظر داخلی و خارجی آن شخص بی صلاحیت و ضعیف نیست او در اینقدر مدت توانسته جای پایش را در قدرت چنان محکم نماید که حتی امریکائی ها برغم اختلافات شدید با وی نتوانسته اند جای او را به شخص دیگری بسپارند. همین طور رقبایش در دولت و در خارج از دولت نتوانسته اند او را به ترک از قدرت وادارند. در قسمت اینکه محترم سیستانی می فرمایند: «اگر به این تجاوز پاکستان پاسخ داده نشود، پاکستان آنرا به ضعف ما تعبیر کرده مطابق ستراتیژی نظامی خود بزودی ولایت کنر و نورستان را اشغال و . . .»

نمیدانم چرا آقای سیستانی در نظر ندارند که نه تنها دولت افغانستان در برابر پاکستان از هر لحاظ ضعیف و ناتوان است بلکه حتی مقتدر ترین دولت های حامی افغانستان در برابر فعالیت های تروریستی پاکستان خود را درمانده می بینند، درمانده به این معنی که خوب می دانند تمام لانه های تروریستی در پاکستان بوده و تحت حمایت نظامی های پاکستانی قرار دارند و با وجود بارها مطرح نمودن از سوی امریکائی ها به مقامات ملکی و نظامی پاکستان آنها هیچ اعتنائی به حرف ها و اخطار های شان نکرده بالعکس زیر نام عبور و مرور کاروان های مواد رسانی از بندر کراچی به افغانستان سالانه میلیاردها دالر باج اخذ می دارند و همه شاهد اند با اینهمه باج گیری قناعت نکرده با توپ و راکت خاک افغانستان را مورد حمله قرار می دهند در عوض امریکائی ها بجز یگان استفاده از طیارات بدون پیلوت آنهم در مناطق پشتون نشین دیگر هیچ کاری در جهت ختم حمایت تروریستی نتوانسته اند، البته این به این مفهوم نیست که قدرت نظامی و اتمی پاکستان مافوق همه دولت هاست دولت آمریکا این توانائی را دارد که در یک

روز تمام قوت های نظامی پاکستان را تار و مار کند ولی ترس از اینست که اگر همین اردوی پاکستان از هم بپاشد و سلاح های اتمی بدست گروه های بسیار تند رو تروریستی بیفتد وضع منطقه و جهان چه خواهد شد؟

لذا از دید اینجانب یگانه راه موثر در مبارزه علیه گروه هایی که از پاکستان جهت عملیات تروریستی به افغانستان می آیند همین مبارزه مردم هر محل علیه آنهاست اگر مردم محل اجازه ندهند و به حمایت تسلیحاتی و مالی دولت افغانستان علیه آنها مبارزه نمایند بلاتردید هیچ یک فرد تروریست نمی تواند وارد خاک افغانستان شود.

بالاخره از محترم آقای سیستانی می پرسم فرض محال گیریم که بخواست شما آقای کرزی از سوی پارلمان به سلب اعتماد مواجه شود و از قدرت کنار رود، کدام فرد با کدام پشتوانه مردمی از داخل و با حمایت کدام قدرت خارجی مبارزه با جنگسالاران و مافیای مواد مخدر و دولت های متخاصم دور و بر افغانستان را بهتر از، وی به پیش خواهد برد؟

پایان